

بررسی سیر نزولی ارتباط بین عناصر سازنده هویت قوم لر و هویت ملی

هوشنگ کیانی ده کیان^۱

چکیده

این مقاله درصدد است که ارتباط بین آداب و سنن اقوام ایرانی علی الخصوص قوم لر را با هویت ملی طی سه دهه گذشته بررسی کند. امروزه حفظ و ارتقای هویت ایرانی با تکیه بر آداب و سنن قومیت‌ها یک امر مهم تلقی می‌شود. در ابتدا به طور اجمالی به مرور بررسی‌های پیشین در رابطه با مسئله مطرح شده پرداخته سپس بر مبنای یک فرایند فراتحلیلی و طبق موارد ذکر شده در پایان نامه مربوطه و سایر مقالات به چاپ رسیده با این مضمون در سه دهه اخیر تا کنون سیر تحول دیدگاهی منتقدان و صاحب‌نظران از گذشته تا کنون نسبت به این مسئله بررسی خواهد شد. در ادامه با مطرح کردن نظر منتقدان برجسته و نظریه‌پردازان جهانی نتیجه‌گیری کلی در مورد مسئله اصلی ارائه می‌شود. در نهایت چنین آشکار می‌شود که طبق تعاریف منتقدین و پژوهشگران از دهه‌های پیشین تأثیرگذاری آداب و سنن اقوام اصیل ایرانی علی الخصوص قوم لر بر هویت ملی ایرانی در عصر حاضر کم رنگ شده و ارتباط بین هویت اقوام و ملی بیشتر با تکیه بر سبک زندگی مذهبی غالب در این طوایف حفظ شده و در اصل مذهب اهرمی برای حفظ ارتباط بین عناصر فرهنگی و سنتی قوم لر و مرکزیت و حاکمیت کل کشور شده است. البته اظهارنظرها و ایده‌های افراد صاحب سبک و منتقدان برجسته و پژوهشگران نامی در این زمینه بر شمای کلی و طرح اصلی مورد بررسی تأثیر ویژه‌ای داشته که به مواردی از آن در این مقاله اشاره خواهد شد. در پایان طبق نظرات آن‌ها و ایده‌های مطرح شده نتیجه‌گیری کلی مقاله ارائه می‌گردد و چنین مشهود است که علی‌رغم تلاش‌های حاکمیت و دولت در حفظ اقتدار ملی با تکیه بر مذهب بعنوان عامل ارتباطی بین قومیت‌های اصیل لر، بلوچ و آذری، به علت روند سریع تحولات کنونی داخلی و خارجی و فرایند جهانی شدن شکاف بین عناصر هویت قومی و ملی رو به افزایش است.

واژگان کلیدی: هویت ملی، اقوام لر، جهانی شدن، سبک زندگی، بررسی فراتحلیلی

^۱ گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، دانشجوی دکتری،

مقدمه

هویت ملی در واقع رابطه افراد جامعه را با کشورشان نشان می‌دهد. هویت ملی به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که فرد با چه فرهنگ و تمدنی در نظام یک کشور زندگی می‌کند و در واقع هویت مجموع باورها و نمادهای مشترک افرادی است که در یک محدوده سیاسی مشترک با هم زندگی می‌کنند. افراد یک جامعه مجموعه باورها، فرهنگ، نژاد و آداب و رسوم مربوط به خود را دارند ولی آنچه که آنها را به هم ربط می‌دهد و مرز مشترکی بین همگی آن هاست همان هویت ملی آن‌ها می‌باشد. یکی از مسایل مهمی که انسان در مسیر رشد و تحولش با آن‌ها برخورد می‌کند این است که چه کسی است، چه جایگاهی در جامعه دارد و ارتباطش به عنوان جزیی از جامعه با کلیت آن چیست. هویت ملی آنچه است که همه این پرسش‌ها را برای او روشن می‌کند (صادق‌زاده و نادى، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

اریسکون (۱۹۶۴) هویت را چنین تعریف می‌کند: "مفهوم سازمان یافته‌ای از خود که متشکل از ارزش‌ها، باورها و اهدافی است که فرد به آن‌ها پایبند است". طبق نظر برگر افرادی که برای اولین بار با یکدیگر برخورد می‌کنند سعی دارند وجه مشترکی بین خودشان پیدا کنند که آن‌ها را از سایرین متمایز کند و این همان تعریف هویت کلی در قالبی کوچکتر است. یک جامعه به طور کلی دارای یک هویت ملی است و اگر جامعه را که متشکل از افرادی با پیشینه فرهنگی، سنتی و اعتقادی متمایز هستند در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که در هر جامعه‌ای خرده فرهنگ‌هایی هستند که می‌توانند بر هویت ملی و کلی یک کشور تأثیر بگذارند. جامعه ایران یک جامعه چند قومیتی است و اقوام مختلفی با آداب و سنن مربوط به خود مانند لر، کرد، بلوچ، ترک، عرب و غیره در آن به سر می‌برند. این اقوام هر کدام هویت متعلق به خود را دارند که به آن هویت قومی گفته می‌شود. هویت قومی بخش خاصی از هویت اجتماعی و کلی فرد است که هویت‌های محلی، منطقه‌ای، اقلیمی، نژادی و فرهنگی را شامل می‌شود. در واقع هویت قومی نوعی سبک زندگی افرادی است که در نظام کلی یک کشور سیستم عملکردی متعلق به خود را دارا هستند (احمدلو و افروغ، ۱۳۸۱: ۲۱).

ماهیت قومی و نژادی هویت ایرانی باعث می‌شود که این قومیت‌ها از دیرباز تا کنون بر کلیت آن تأثیر بگذارند. طبق نظریه آرمسترانگ (۲۰۰۱) ونگ (۱۹۹۶) هویت قومی و هویت ملی می‌توانند نسبت به یکدیگر اشکال گوناگونی پیدا کنند و از همدیگر تأثیر بپذیرند و این خود زمینه‌ساز ایجاد فواصل اجتماعی درون مرزهای یک کشور است. در جامعه چند قومیتی ایران هویت ملی آن از اقوام مختلف آن در مکان‌های متمایز تأثیر می‌پذیرد (اشرف، ۱۳۸۳: ۵۴).

اسمیت در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۱ انجام شد شش ویژگی را برای هویت قومی مطرح می‌کند و شامل نام جمعی، اسطوره مشترک نیایی خاطرات تاریخی مشترک، عناصر متمایز کننده مشترک،

پیوند با یک سرزمین مادری و حس انسجام با بخش‌های مشترک جمعیت می‌باشد. بورگس معتقد است که اعضای یک قوم از تعلقشان به گروهی خاص آگاهی دارند. آن‌ها خودشان را دارای وجوه اشتراکی بسیاری می‌بینند و توسط دیگران نیز چنین در نظر گرفته می‌شوند (Ringer 1989: 1, Lawless). اکنون که تا حد مختصری به بحث در مورد تعریف هویت ملی و هویت قومی پرداخته شد نسبت و ارتباط میان این دو مورد بررسی می‌شود.

تعریف هویت

هویت؛ عبارت است از «مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز می‌سازد» (یعقوبی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

هویت ملی

هویت ملی را از یک جنبه می‌توان مهم‌ترین، فراگیرترین و بالاترین سطح هویت دانست. به خصوص بعد از شکل‌گیری دولت مدرن و واحدهای مستقل سیاسی به نام کشور، هویت ملی اهمیتی دو چندان پیدا کرده است و رابطه تنگاتنگی با تعریف منافع ملی کشورها دارد. به نظر رابرت دنشوز^۱ هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی - جدا از گرایش‌های ایدئولوژیک - است و باید آن را اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت خاص محلی و هویت‌های عام فردی دانست. او هویت ملی را محصول تعامل چهار عنصر زیر می‌داند:

۱- عوامل نخستین مثل زبان و ادبیات. *پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۲- عوامل تکوینی مثل دولت و ارتش مدرن و قانون اساسی *پژوهش‌گاه علوم انسانی*

۳- عوامل القایی مثل دفاع از سرزمین.

۴- عوامل واکنشی مثل دفاع از سرزمین (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

هر چند مسایل و عواملی مانند جهانی‌شدن ممکن است برخی از این شاخص‌ها را به چالش بکشد.

میراث فرهنگی را می‌توان بخشی از هویت فرهنگی و در نتیجه هویت ملی دانست و عبارت است از کلیه عواملی که به طور آگاه و یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنچه جز وجود ماست، به نحوی می‌تواند در فکر و عمل ما تأثیر داشته باشد. میراث فرهنگی یک ملت، نشانه‌هایی از تاریخ و فرهنگ آن ملت و بیانگر هویت فراموش نشدنی آن مردم است و می‌تواند عامل مهمی در جهت شناختن و شناساندن خود به دیگران نیز باشد. میراث فرهنگی در واقع به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: یکی طرز تفکر، بینش، سنت‌ها و باورها و دیگری اشیا و آثار (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۶۶) و این همان بعد فرهنگی هویت ملی است. هویت ملی در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک واحد سیاسی هستند و موضوع قوانین آن واقع می‌شوند، از لحاظ روانی هم خود را از اعضای آن واحد بدانند. عنصر دین و زبان را می‌توان از پایه‌های هویت ملی دانست. دین مشترک عامل مهمی در هویت ملی است (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۷). عناصر سازنده هویت ملی عبارت‌اند از: ملت، قلمرو جغرافیایی - سیاسی، زبان، دین (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۲۸). هویت ملی؛ از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی؛ زاده عصر جدید است که ابتدا در اروپا سر برآورد و آنگاه از اواخر سده نوزدهم به خاور زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

در زمینه هویت ملی تعاریف مختلفی وجود دارد. در یک تعریف: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می‌توان گفت، هویت ملی؛ به این معناست که افراد یک جامعه نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۷). در تعریفی دیگر؛ هویت ملی، مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود. لذا، هویت ملی، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباط بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

مرتضی مطهری معیار ارزش‌ها، باورها، گرایش‌ها، و دانش‌هایی را که ملت‌ها می‌پذیرند و پس از چندی در تحول تاریخی و سیر تکاملی و رشد این ملت‌ها تبدیل به مفهوم هویت ملی می‌شود در دو شرط جست‌وجو می‌کند: ۱- ارکان و عناصری که رنگ و بوی ملت خاصی را نداشته باشد. ۲- یک ملت آن ارکان و عناصر را با رغبت، آزادی و اختیار پذیرفته باشند. از نگاه مطهری، اگر این دو شرط در هر رکنی از ارکان زندگی جمعی از انسان‌ها در محدوده یک جغرافیای سیاسی وجود داشته باشد، آن ارکان رنگ و بوی ملی به خود می‌گیرند و اگر یکی از این دو شرط ساقط شود، آن چیز بیگانه شمرده می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۱۵۸). چنان که از مباحث می‌توان فهمید هویت ملی دارای ابعاد اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و دینی است و هر کدام از این ابعاد، کارکرد ویژه‌ای در هویت ملی دارند و بخشی از آن را تکمیل می‌کنند.

ارتباط بین هویت ملی و هویت قومی

طبق بررسی‌های انجام شده مفهوم هویت ملی بسیار جوان تر از هویت قومی است. نمادها و افتخارات قومی از دوران باستان و به لحاظ تاریخی شکل گرفته‌اند در حالی که مظاهر ملی و ملیتی به ملت‌ها نسبت داده می‌شوند و امری جدید است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که بیوگرافی و موقعیت گروه‌های قومی تعیین کننده احساس هویت ملی هستند. می‌توان گفت که هویت‌های قومی موجود در یک سرزمین هر یک به نوعی بر هویت ملی تأثیر گذارند و در این مورد برخی از اقوام نسبت به سایرین سهم بیشتری دارند. طبق فرضیه اساسی اقوامی که عناصرشان تا حد زیادی متمایز از عناصر ملی کشورشان می‌باشد هویت تضعیف کننده‌ای در ارتباط با هویت ملی دارند در حالی که اگر بین این دو هویت هم‌پوشی بالایی موجود باشد هویت قومی تقویت کننده احساس ملی و هویت ملی می‌باشد و در این مورد می‌توان به قوم لر و بلوچ اشاره کرد. در یکی از مقالات منتشر شده در دانشگاه بروجن در سال ۱۳۸۷ آمار و ارقام ارایه شده برای مقایسه گویه‌های مختلف اقوام ایرانی حاکی از آن است که اقوام لر و بلوچ به ترتیب بیشترین میزان همپوشی را با هویت ملی شان دارند در حالی که قوم عرب و سپس ترک پایین‌ترین نمره را در این بررسی‌های آماری به خود اختصاص دادند (جعفرزاده‌پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۶۶).

در نتیجه ارتباط میان هویت ملی ایرانی و قومی لر بر مبنای همپوشی بسیاری که در مطالعات پیشین به اثبات رسیده است ارتباطی قوی است و حاکی از آن است که قوم لر با پیشینه تاریخی بسیارش با کلیت ملی ایرانی همپوشی بسیاری دارد و به طور کلی تأثیرگذاری‌اش بر عناصر سازنده هویت ملی ایرانی از دیرباز مشهود است (جعفرزاده‌پور و حیدری، ۱۳۹۳: ۷۳).

مروری بر سیر تحولات قوم لر از دیرباز تا کنون

هگل ایرانیان را نخستین ملتی می‌داند که دارای پیشینه تاریخی امپراتوری بوده‌اند. منظور این است که اقوام مختلفی با آداب و رسوم و سنت‌های ویژه گرد هم آمده و در لوای حاکمیت اصلی در خطه معینی در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند که یکی از بزرگ‌ترین تمدنی‌های تاریخی بشر را شکل می‌داد. از زمان باستان و از زمان ورود آریایی‌ها و ایجاد سرزمین مستقلی متشکل از اقوام و قبایل مختلفی با سنن و فرهنگ مربوط به خود - فارس، لر، کرد، ترک، عرب، بلوچ و غیره - تا کنون این اقوام به عنوان خرد فرهنگ‌هایی به طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر می‌زیسته‌اند. از سویی این اقوام ایرانی تا حدی به لحاظ فرهنگی با یکدیگر پیوند خورده‌اند و می‌توان گفت مذهب شیعه یا اسلام یکی از مشترکات همه این اقوامی است که خرده فرهنگ‌ها به حساب می‌آیند (برتون، ۱۳۸۰: ۲۰). اکنون به بررسی موقعیت و جایگاه قوم لر به عنوان یکی از اصیل ترین خرده فرهنگ‌ها و طوایف ایرانی می‌پردازیم.

قوم لر

یکی از اصیل ترین قبایل و طوایف ایرانی هستند که گویش لری دارند و به لحاظ اقلیمی به سه دسته لرهای کوچک، ممسنی و بزرگ تقسیم‌بندی می‌شوند. لرها عموماً در نواحی غرب و جنوب غربی ایران سکنی گزیده‌اند. طبق لوح‌ها و کتیبه‌های تاریخی بدست آمده فعالیت‌های صنعتی قوم لر به بیش از ۴۰۰۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد و این شامل مفرغ کاری و فلز کاری بوده است. پس از حمله اعراب به ایران لرها همچنان آداب و سنت خود را حفظ کردند و در دوره صفویه کشور دارای دو ایالت متعلق به لرها یعنی لرستان و کهگیلویه و بویراحمد بود. با گذر زمان و سیر تحولات تاریخی و علی‌الخصوص در سال‌های اخیر تا حدودی این قوم دچار یک سری بحران‌های هویتی شده است و از اصلی‌ترین دلایل آن می‌توان به موارد تأثیر زبان و فرهنگ اقوام گوناگون بر قوم لر اشاره کرد. نواحی شمالی بخش‌های لرنشین از کردها (کرمانشاه) تأثیر پذیرفته حال آنکه بخش‌های دیگر تحت تأثیر فرهنگ فارس می‌باشند (رضایی و ظهیری نژاد، ۱۳۷۹: ۴۲).

یکی دیگر از عوامل تضعیف شدن فرهنگی این قوم دلیل اقتصادی است مبنی بر اینکه که علی‌رغم وجود منابع آبی، صنعتی و اقتصادی مهم در نواحی لرنشین این مناطق در تقسیم‌بندی کشوری جز مناطق محروم به حساب می‌آیند. یکی از دلایل فرهنگی که باعث تضعیف شدن هرچه بیشتر هویت لر می‌شود رسانه‌های جمعی و تحریکات بی‌مورد و تمسخر و به استهزا گرفتن لرها و آداب و رسوم آن هاست که امروزه متأسفانه یکی از ابزارهای تفریحی جمعی به حساب می‌آید. یکی دیگر از این عوامل پژوهشی است یعنی پژوهش‌ها و تحقیقات اندکی در رابطه با فرهنگ و آداب و رسوم و نقش ویژه این قوم اصیل صورت پذیرفته و مراکز تحقیقاتی ویژه‌ای وجود ندارد که به زبان لری بپردازد. مورد دیگر موارد سیاست‌های ضدیتی حاکم در دوران مختلف است که باعث شده این قوم در اقلیت قرار بگیرد و نقش آن امروزه در سیستم سیاسی و اجتماعی روز به روز کم رنگ‌تر بشود (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۶۲).

بحث اصلی و ارایه مفاهیم

در اینجا ارتباط بین هویت قومی (لر) با هویت ملی ایرانی به تفصیل بررسی می‌شود. چنین گفته شد که هویت ملی هویتی کلی است که در بردارنده خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌هایی است که هر یک ارتباط خاصی با این کلیت دارند. در جامعه ایران که یک جامعه چند قومیتی است ارتباط بین هویت ملی و قومی به دو صورت قابل تفسیر شدن است نخستین مورد یک رابطه تقابلی بین این دو هویت است مبتنی بر این اصل که هویت ملی و قومی متمایز و جدا از هم شکل گرفته باشند و اجزای این دو هویت کلی و جزئی در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. دومین نوع ارتباط بین هویت ملی و قومی در واقع ارتباط دوسویه و مسالمت آمیز میان این دو مقوله است و این دو هویت در امتداد یکدیگر رشد می‌کنند و

در واقع یکی زمینه ساز و بستری برای دیگری است و بین برخی از اجزایشان هم پوشی وجود دارد. برای مثال جشن‌های نوروز باستان در واقع از زمان باستان در بین طوایف لر مرسوم بوده و تا سطح ملی و کشوری تا کنون بسط یافته است (ابراهیمی و متین، ۱۳۸۵: ۷۸).

بنابراین هویت‌های قومی در یک کشور هر کدام سهمی در هویت ملی دارند. هر چه شباهت بیشتری بین عناصر هویتی یک قوم و هویت ملی وجود داشته باشد، سهم آن قومیت در هویت ملی پر رنگ‌تر می‌شود. اجزای مختلف و عناصر فرهنگی موجود در قومیت‌ها شامل موسیقی، غذاهای محلی، زبان و گویش و رسم و رسوم مرتبط با سبک زندگی است که مراسم ازدواج، سوگواری، مراسم مذهبی، عزاداری و خاک سپاری و غیره در این دسته قرار می‌گیرند. هرچه شکاف بیشتری بین این عناصر قومیتی و عناصر ملی ایجاد بشود نقش هویت قومی در سطح ملی کم رنگ‌تر می‌شود.

در اینجا به بررسی اجزای مختلف این عناصر در قوم لر می‌پردازیم و تأثیرگذاری‌اش بر هویت ملی و راهکارهای ارایه شده در جهت تقویت این عناصر را پیگیری می‌کنیم.

از دیرباز کشور در صدد حفظ همبستگی ملی بوده و در این راستا برنامه‌های ویژه در سطح کشوری به این امر اختصاص داده شده است. به عبارت دیگر همبستگی ملی شامل توافق جمعی در مورد هنجارها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات و آرا عده‌ای از افراد است که از این طریق سعی بر حفظ هویت ملیشان دارند. حال هر چه باورها و رسوم خرده فرهنگ‌ها به باورهای ملی نزدیک‌تر باشد نقش آنها در حفظ همبستگی ملی بیشتر می‌شود برای نمونه در مورد قوم لر در گذشته برای حفظ هرچه بیشتر هویت لری سیاستگذاران از درجه فرهنگی استفاده می‌کردند که می‌توان به چند مورد از آن‌ها اشاره کرد:

موسیقی سنتی لری

طی بررسی‌هایی که در مقالات منتشر شده بین سال‌های دهه ۵۰ تا ۶۰ صورت پذیرفته، سعی بر آن بوده که با ترویج موسیقی محلی قومیت‌های مختلف هویت مستقل آنها در ارتباط با هویت ملی حفظ بشود. برای نمونه در مدارس و رسانه‌های گروهی انواع بیشتری از موسیقی محلی به نمایش گذاشته می‌شد. پس از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی به علت مشکلات داخلی و بعضاً اختلافات عقیده در مورد پخش زنده موسیقی به طور کلی تصویر چندانی از موسیقی محلی لری در دست نبوده و با بررسی مقالات بین سال‌های ۶۰ تا ۸۰ چنین مشهود است که این نوع موسیقی صرفاً گونه نادری از دستگاه‌های موسیقی ایرانی است که در بین عموم جوانان امروزه چندان طرفدار ندارد (خواجانه‌نوری، کریمی و خجسته، ۱۳۹۴: ۳۲).

راهکاری که در این مورد پیشنهاد می شود این است که با برگزاری جشنواره ها و مسابقات موسیقی سنتی و قومیتی بین اقوام مختلف ایرانی سعی شود که این عنصر فرهنگی تا حدودی زنده شود.

اشاعه سبک زندگی قومیت لر و ترویج آن در عصر کنونی

با بررسی مقالات چند دهه اخیر چنین مشخص شده است که در گذشته عموم افراد متعلق به یک قومیت به خودی خود تمایل بیشتری به حفظ ارزش ها و باورها و عناصر فرهنگی متعلق به خودشان داشته اند بدین معنا که در گذشته غالب افراد متعلق به یک قومیت خاص بیشتر متکی به آداب و رسوم و سنت های قومی شان بوده اند و این به خاطر تأثیر کم رسانه های جمعی و عدم دسترسی همگانی در سطح کشوری به این موارد بوده است. هر چند در دهه های اخیر تا کنون طبق تحلیل های آماری حاصل شده از تحلیل کمی و تفسیر آن با استفاده از پرسش نامه های ارایه شده در دو استان لر نشین کهگیلویه و خرم آباد چنین مشهود است که فرایند جهانی شدن و به طور کلی فن آوری به روز و گسترش وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت، تلفن همراه، شبکه های اجتماعی و مجازی تأثیر منفی بر حفظ و نگهداری سبک و سیاق هویت قوم لری داشته به طوری که برای مثال در بسیاری از مدارس کنونی دانش آموزان سعی می کنند که بدون استفاده از گویش لری تحصیل کنند و بعضاً برخی از آن ها حتی هویت قومیشان را پنهان می کنند چرا که ممکن است تحت تأثیر فرهنگ غالب فارس قرار گرفته باشند و تألیف کتب درسی ای است که فرهنگ غالب فارس مورد توجه است (امان الهی بهداروند، ۱۳۷۴: ۷۳).

راهکاری که در این زمینه وجود دارد این است که از بخش های دولتی به ویژه سازمان تألیف کتب درسی خواسته شود بخشی از برنامه های درسی و کتب ادبی به طور جامعی به ویژگی های فرهنگی قومیت لر بپردازد و یا این که مدارس و آموزشگاه هایی در سراسر کشور بر قرار بشوند که اقوام اصیل ایرانی لر، آذری، بلوچ و غیره مطابق با گویش و زبان مربوط به خودشان در آن ها تحصیل کنند.

تقویت زبان و گویش لری بعنوان عنصری مهم در حفظ موجودیت هویت قوم لر

با مرور مطالعات قبلی و بررسی آماری کسب شده از مجموعه مقالات ارایه شده در چند دهه گذشته تا کنون چنین معین می شود که هر چه شدت و سرعت جهانی شدن بیشتر می شود تأثیر معکوس آن بر خصیصه های فرهنگی و به ویژه زبانی قوم لر بیشتر می شود. این امر بدین معناست که امروزه اکثر افراد متعلق به قوم لر از تبعات فرهنگی استفاده از گویش لری مطلعند و تنها سعی می کنند که در ارتباط با اعضای فرهنگی خودشان با این زبان صحبت کنند چرا که فرهنگ و هویت غالب فارس با گویش لری مأنوس نیست و این شکاف بین زبان ملی و زبان لری به خودی خود عاملی می شود که

لرها از گویش لری صرفاً در جایگاه محلی و نه در سطح ملی استفاده کنند (محمدابراهیمی، عبدی، ۱۳۹۱: ۸۵).

راهکاری که در این مورد مطرح می شود این است که علاوه بر برنامه های تلویزیونی و شبکه های مربوط به قومیت های مختلف برنامه هایی با گویش لری در سطح ملی پخش بشوند که مخاطبانشان فارس ها نیز باشند و یا روزنامه ها و مجلات بیشتری در سطح وسیع به زبان لری منتشر بشوند.

تقویت جشن های ملی - مذهبی متعلق به قوم لر

بسیاری از جشن هایی که در گذشته از زمان هخامنشیان تا کنون در بین قومیت های اصیل لر، کرد و غیره تداوم داشته، امروزه به علت روند جهانی شدن و مدرنیته شدن جامعه برخی از این جشن ها که صرفاً متعلق به دسته خاصی از این اقوام بوده دیگر برگزار نمی شوند. از سویی بسیاری از اعیاد مذهبی با جشن های مربوطه در بین افراد این قوم به دست فراموشی سپرده شده اند. برای نمونه در سده های گذشته در بین قوم لر جشن مذهبی برگزار می شد که نماد به آتش سپردن حضرت ابراهیم بوده و در آن با روشن کردن آتش این واقعه مذهبی - تاریخی را یادآوری می کردند. امروزه به علت مدرنیته شدن جامعه حاکم و ایجاد شکاف زیاد بین هویت ملی و قومیتی لر برخی از این جشن ها دیگر برگزار نمی شوند و این خود نشانی بر انزوای هویتی این طوایف و اقوام می باشد (دالوند، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

راه کاری که در این مورد اشاره شده این است که می توان با اجرای جشن های مذهبی - ملی گسترده در سرتاسر کشور و بویژه در میان اقلیت های قومی، این مراسم و جشن ها را زنده کرد.

قوم لر با پیشینه تاریخی زیادی که دارد دارای مظاهر تاریخی و آثار باستانی است که در سطح ملی بسیار مورد توجه است و همه ساله گردشگران بسیاری از این مکان ها دیدن می کنند. تعدادی از این مکان های تاریخی طاق طویل و مسجد اتابکان در بخش لر بزرگ و قلعه مدرسه کرای، جاده اتابکان یا راه سلطانی و قلعه فلک الافلاک و مسجد جامع بروجرد در بخش کوچک لرنشین می باشد.

سیر نزولی قدرت قوم لر از زندیه تا کنون

دوره زندیه را می توان اوج قدرت قوم لر بر ایران به حساب آورد. کریم خان زند که متعلق به اقوام لر بوده تجلی قدرت لرها در دوران زندیه در ایران بوده است. در دوران زندیه شرایط و وضعیت کشور تا حدی ثبات داشته و سیاست گذاری کشور به گونه ای منصفانه بوده است. (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۳۸ و ۱۳۹). وکیل رعایا یا همان کریم خان زند با رویکرد عدالت محوری توانست وضعیت کشور را از سمت

بی ثباتی و ناآرامی به سمت اقتدار و آرامش نسبی ببرد و در زمان وی تجارت، صنعت و کشاورزی رونق یافت و زیر بنای اقتصادی کشور غنی و پر مایه شد (پری، ۱۳۸۵: ۳۰۷).

پس از مرگ کریم خان به علت این که جانشین لایقی برای حکومت مرکزی یافته نشد و به خاطر کشمکش قدرت میان اعضای حکومتی بر سر قدرت اقتدار حکومت لرها رو به افول گذاشت. بعدها در دوران مشروطه نیز اسنادی مبتنی بر قدرت گرفتن طوایف لر در ایران وجود دارد و در دورانی که کشور توسط استثمارگران خارجی اشغال شده بود اقوام لر دلیرانه در مقابل دشمن به مبارزه پرداختند.

بررسی شکاف های رو به رشد میان هویت قومی و ملی

دولت ایران با اطلاع از چند قومیتی بودن کشور با وحدت میان قومیت های مختلف بدنبال حصول امنیت ملی می باشد. برخی نظریه پردازانی همچون بوزان، تدگر و سایرین معتقدند که در یک چنین جوامعی چند قومیتی دست یافتن به امنیت ملی، توسعه و حفظ وحدت بر عهده دولت ها و حکومت می باشد. در طول تاریخ به علت تعارضات و مناقشات بسیار میان قومیت های مختلف در ایران برای کسب قدرت محلی و دست یافتن به حکومت مرکزی در سطح ملی برخی از اقوام در برهه زمانی خاص نسبت به سایرین تضعیف می شدند و در صورت تعارض زیاد میان حکومت مرکزی و قومیت خاص، شکاف میان این قوم ها و ملیت رو به افزایش می گذاشت. قبلاً چنین بیان شد که حفظ وحدت و انسجام و استحکام ملی در این جوامع چند قومیتی بیشتر بر عهده دولت می باشد. گاهی یک سری تهدیدات سیاسی از سوی قومیت های مختلف از سویی بر روابط قومیت های مختلف - دولت تأثیر گذاشته و در این راستا دولت بطور ناخواسته می بایست در جهت تضعیف کردن قدرت نامشروع سیاسی پاره ای از این اقوام گام بردارد (یوسفی، ۱۳۸۸: ۸۷).

طبق نظر لوسین پای (۱۹۸۵) نقش تنوع قومی در ایجاد بحران در هویت ملی زمانی رخ می دهد که دولت به علت این که جمعیت گسترده ای از کشور متعلق به اقوام گوناگون هستند قادر نیست به صورت یک واحد ملی کارآمد و توانا در راستای حفظ وحدت و انسجام ملی و کشوری گام بردارد (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

از سویی در صورتی که دولت مرکزی یا در واقع نظام سیاسی یک کشور توسط قوم خاصی اداره بشود در واقع نوعی قوم مداری شکل می گیرد که به نظر آنتونی اسمیت باعث تضعیف هویت ملی یک کشور می شود. به عقیده وی قومیتی خاص که هویتش را در هم خوانی، همزبانی، هم اعتقادی، زیستن و پرورش یافتن در بستر فرهنگی گذشته اش، اسطوره ها و خاطرات تاریخی مشترک می جوید به طور کلی برآیندی را حاصل می کند که نتیجه اش تشکیل هویت قومی و تقویت همبستگی و اتحاد قومی در مقابل هویت ملی می باشد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۹). مایرون واینر در مورد مسئله شکاف بین هویت

ملی و قومی و حفظ یکپارچگی ملی در کشورهای چند قومیتی، ناهمگنی قومی را مسئله‌ای سیاسی می‌داند و چنین توصیه می‌کند که در بررسی عوامل مؤثر بر یکپارچگی می‌بایست به متغیرهای سیاسی نیز توجه شود (واینر، ۱۳۷۹: ۲۵۸ و ۲۵۹).

امروزه چالش جدیدی که پیش روی کشورهای چند قومیتی مثل ایران قرار دارد فرایند جهانی شدن و تبلیغات سیاسی مبتنی بر دموکراسی خواهی می‌باشد و این مسئله به خودی خود تحریکات و تهدیدات سیاسی از سوی قومیت‌های خاص را مضاعف کرده است. در راستای دموکراسی خواهی گروهی از قومیت‌ها را مشاهده می‌کنیم که در پی تحریکات سیاسی کشورهای منطقه‌ای دست به شورش زده و خواهان جدایی طلبی هستند. از سویی برخی از سازمان‌های بین‌المللی و افکار عمومی جهانی برای ایجاد واحدهای خود مختار به دولت‌های متمرکز چند قومیتی فشار می‌آورند و از سویی فرآیند جهانی شدن کشورها را به سویی برده که در آن‌ها نقش فرهنگی این قومیت‌ها در ارتباطات جهانی بسیار کم شده و به مرور بسیاری از مظاهر فرهنگی این قومیت‌های خاص در این کشورها از بین می‌روند.

کاستلز به عنوان راهکاری برای کم کردن شکاف میان هویت ملی و قومی چنین پیشنهاد می‌دهد که بخشی از قدرت مرکزی و حکومتی در چنین کشورهایی به صاحب نظران قومی و فروملی سپرده شود. وی معتقد است که پروسه جهانی شدن باعث ایجاد جوامع شبکه‌ای می‌شود که تنوع و چندپارگی منافع اجتماعی از خصوصیات مهم آن می‌باشد. در واقع این منافع به صورت هویت‌های متمایز رخ می‌نمایند و باعث می‌شوند که مظاهر فرهنگی، هویتی، مطالباتشان در مقابل هویت ملی و پیش روی دولت مرکزی قرار بگیرد و به جای تعامل بینشان، تضاد و تعارض ایجاد شود و در واقع شکاف بین دو هویت ملی و قومی روز افزون بشود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۷). یورگن هابرماس این تعارض بین مطالبات قومیتی و دولت را بحران مشروعیت می‌خواند و دولت به عنوان راه کاری برای مقابله با آن بخشی از قدرت را به صورت پراکنده و نامتمرکز به نهادهای منطقه‌ای می‌سپارد.

از دیگر تهدیدات ناشی از ایجاد شکاف میان هویت ملی و قومی می‌توان به تهدیدات اجتماعی اشاره کرد. حفظ امنیت اجتماعی در هر کشور امری بسیار مهم است. بوزان امنیت اجتماعی را توان حفظ و ایمنی الگوهای سنتی فرهنگ، زبان، هویت مذهبی و ملی می‌داند و از سویی به عقیده وی ناامنی اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که هر نوع از جوامع چه چند قومیتی چه مذهبی، ملی و نژادی تحولات و تحریکات جدید را تهدیدی علیه بقایشان (هویت اجتماعی) تعریف کنند. وی چنین عنوان می‌کند که هویت ملی غالباً از درون کشور چند قومیتی مورد تهدید واقع می‌شود و گاهی دولت با این چالش روبرو می‌شود که علی‌رغم ضدیت میان خصیصه‌ها و عناصر هویت قومی با هویت ملی می‌بایست راه کاری برای حفظ آن‌ها و کم کردن شکاف میان این دو هویت پیدا کند. از سویی طبق تعریف بوزان

تهدیدات اجتماعی جدای از معنا و محتوای سیاسی نیست. در واقع عامل چند قومیتی کشورها زمانی به بحران اجتماعی منجر می‌شود که دولت نتواند میان مظاهر فرهنگی و قومیتی‌اش از یک سو و کلیت و جامعیت کشور از سوی دیگر تعادل برقرار کند.

آزر و مون (۱۹۹۵) در کنار توان سیاسی و مشروعیت، بحران یکپارچگی را یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیت ملی کشورهای جهان سوم و چند قومیتی می‌خوانند. آن‌ها چنین عنوان می‌کنند که تبدیل شدن یک جامعه چند قومیتی به یک دولت ملی چالش‌های بی‌شماری را پیش روی حفظ امنیت ملی در کشورهای جهان سوم حاصل کرده و یکی از ملموس‌ترین این موارد ناکامی و شکست کشورهای جهان سوم در ایجاد یک احساس و باور عمومی درباره ارزش‌ها و علایق مشترک ملی در میان قومیت‌های مختلف می‌باشد. وجود شکاف میان هویت‌های قومی و ملی در یک کشور باعث می‌شود که در مورد ارزش‌ها، باورها و علایق ملی انسجامی شکل نگیرد و هر گروه قومی هویت خودش را بر اساس باورها، هنجارها و ارزش‌های گروهی خودش و نه ارزش‌های ملی ایجاد کند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۷).

در پایان یافته‌های محققین قومیت‌ها و طوایف حاکی از آن است که عدم تطابق و ارتباطات تعاملی و مناسب میان هویت ملی و قومی باعث می‌شود که یک کشور به لحاظ یکپارچگی و انسجام و حفظ ارزش‌ها و اولویت‌هایش دچار بحران بشود، از توانایی‌ها و منابع داخلی کشور کاسته شده و در نهایت قدرت سیاسی کشور چه در امور داخلی و چه در عرصه بین‌المللی رو به تحلیل می‌رود. از این رو حاکمیت‌ها می‌بایست با تکیه بر برنامه‌ها و چهارچوب‌هایی که به طور اختصاصی برای حفظ وحدت قومی و در نهایت انسجام ملی طراحی شده‌اند برای کاستن از تعارض بین اصول و ارزش‌های قومی و ملی اقدام کنند و در این راستا تحقیقات بیشتری مورد نیاز است تا چالش‌های پیش روی دولت در حفظ انسجام ملی، اجتماعی و سیاسی یافته شده و راه کارهای مستدل و شهودی در این زمینه ارائه بشوند و اقدامات ویژه‌ای در این راستا در سطح دولتی یک کشور انجام بگیرد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد این کار مستلزم تحقیقات و پیگیری‌های هرچه بیشتری در آینده است و در این راستا می‌توان به بررسی‌های پیشین در این زمینه رجوع کرد.

اکنون پس از اشاره به نظرات و تئوری‌های نظریه‌پردازان به رویکرد کشورمان در زمینه قومیت و تنوع آن و ارتباطش با هویت ملی و کشوری می‌پردازیم. رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب تا کنون یک رویکرد جزر و مدی است. ایران در پی تصویب اعلامیه تنوع فرهنگی و نشست سال ۲۰۰۳ یونسکو در زمینه ارائه سندی الزام‌آور در این زمینه موفق ظاهر شد. پس از آن تهران در اجلاس وزرای عدم تعهد پیرامون تنوع فرهنگی و لزوم آزادی‌های قومیتی چنین اظهار داشت که معتقد به حفظ تنوع فرهنگی قومیت‌ها در پی فرآیند جهانی شدن و جلوگیری از نابودی این فرهنگ‌های اقلیتی در

این راستاست. حال آن که نه سال پس از تصویب این مورد از پیوستن به این کنوانسیون ژنو (۲۰۰۱) خودداری کرده و اکنون بطور مختصر به علت این سوگیری جزر و مدی در کشور می‌پردازیم. انقلاب اسلامی در ایران نیز مانند هر انقلابی با تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه بوده است (نوابخش و نیکوکار، ۱۳۹۰: ۱۷).

طبق نظر برخی از مراجع سیاسی در واقع انقلاب ایران یک انقلاب مذهبی، فرهنگی - سیاسی بوده و فرهنگ خود بستری برای حفظ ارزش‌های اسلامی در کشور شده است. پس از خاتمه جنگ تحمیلی تحولات اقتصادی و اجتماعی زیادی صورت گرفت و لزوم بازسازی پایه‌های کشور باعث شد که شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوباتش سعی بر حفظ اصول و ارزش‌ها و باورها اعتقادی و مذهبی از یک سو و حفظ وحدت ملی و ماهیت چند پارگی قومیتی کشور از سوی دیگر بکند. به مرور زمان بعضاً یک سری تهدیدات سیاسی از سوی کشورهای دیگر و دخالت‌ها در امور داخلی فشارهای زیادی به کشور در حفظ وحدت و یکپارچگی ملی - مذهبی از یک سو و حفظ باورها، ارزش‌ها و اعتقادات محلی و قومیتی از سوی دیگر تحمیل شد. برخی از اقوام و طوایف در این وهله زمانی با اتکا بر پیشینه تاریخی قوی که دارند به خوبی توانستند بر تعارض‌های موجود میان باورها و ارزش‌هایشان و باورها و ارزش‌های هویت ملی غلبه کنند و به مرور زمان خود را با شرایط کنونی وفق بدهند (الطائی، ۱۳۷۸: ۳۰).

در این میان اقوام لر که خود از اصیل‌ترین طوایف ایرانی هستند نقش محوری بین ارزش‌ها و باورهای قومیتی و هویت ملی حاصل کردند. هرچند به مرور زمان و با توجه به سیر عظیم تحولات کنونی در سطح کشوری و بین‌المللی حفظ انسجام بین‌الگوه‌های طوایف و قومیت‌های مختلف و هویت ملی رو به افول گذاشته و گاه‌ها یک سری هنجارها و ارزش‌های قومیتی که در گذشته ارتباط تقابلی و تنگاتنگی با هویت ملی داشتند جهت سازگار شدن با تحولات کنونی دستخوش دگرگونی شده‌اند و این خود عامل ایجاد شکافی بین این قومیت‌ها و حکومت و دولت در کشور شده است.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد سیر تحولات اخیر در کشور چه در داخل چه در عرصه جهانی باعث ایجاد شکاف بین هویت قومی و ملی شده است. شکاف تقابلی است که گذرا نیست و از متن جامعه حاصل می‌شود و سالیان سال دوام می‌یابد و منشأ آن عموماً حوادث مهم تاریخی در یک جامعه مثل تحولات حکومتی، انقلاب یا نوسازی می‌باشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱: ۶). با گسترش روز افزون فن‌آوری - های جدید و ارتباطات جهانی وسیع و گسترده شکاف عمیقی بین ماهیت و عناصر هویت قومی و عناصر و اجزای ملی حاصل شده است.

طبق نظریه‌گیدنز فرآیند جهانی شدن در مکان‌های مختلف به علت پیش‌زمینه‌های متفاوت تأثیر یکسانی بر قومیت‌های مختلف نخواهد داشت. بعنوان مثال لرهای ساکن شهر ممسنی با کلان شهر

شیراز ارتباط زیادی داشته و طبق تحقیقات پیشین چنین مشخص شده که به شدت از فرهنگ استان فارس تأثیر می‌پذیرند (خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۱۰). فاضلی با مرور نظریه‌های مبتنی بر سطح زندگی معتقد است که در سنجش سطح زندگی اقوام لر شاخص‌های گوناگونی به کار رفته‌اند و سه دسته از آن‌ها مصرف فرهنگی، فعالیت فراغت و شاخص‌های پراکنده می‌باشند که این مورد شامل رفتار خانوادگی، نامگذاری فرزندان و الگوهای مصرف غذا می‌باشد. در مطالعه‌ای که با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی سبک زندگی اقوام لر ساکن نورآباد و کنگان بدست آمد انواع سبک‌های زندگی در بین این طوایف لر بر اساس تحلیل عاملی به ترتیب زیر می‌باشد (لک، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

سبک مذهبی: شرکت در جلسات مذهبی، هیئت‌ها، تماشای برنامه‌های مذهبی داخلی، حضور در مساجد، حسینیه‌ها و مشارکت در مراسم و جشن‌های مذهبی مانند اعیاد شعبانیه، پرداختن به فعالیت‌های مذهبی در خانه مثل اقامه نماز، گوش دادن به برنامه‌های مذهبی رادیویی و غیره.

سبک فراغتی مدرن: پوشیدن لباس به سبک غربی‌ها گوش دادن به موسیقی پاپ، حضور در سینماها و آمفی تئاترها، عدم پرداختن به فعالیت‌های مذهبی عمومی، رفتن به رستوران‌ها و مراکز خرید مدرن و غیره.

سایر سبک‌ها به ترتیب اهمیت شامل سبک فرهنگی، اینترنتی، فراغتی معمولی، ورزشی و موسیقایی بومی می‌باشند.

با مقایسه کلیت سبک زندگی این افراد در این استان‌ها در زمان حال با دهه‌های گذشته طبق تحلیل آماری گسترده‌ای که انجام شد چنین مشهود است که هر چه به سال‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم سبک زندگی این اقوام از سمت سنتی - مذهبی به سمت مدرنیته به پیش رفته و از سوپی شکاف میان اعتقادات و ارزش‌های محلی و گروهی این قوم با عناصر همگانی و ملی بیشتر شده در واقع آمار و ارقام حاکی از آن است که سبک زندگی این اقوام رو به سوپی رفته که بسیاری از موارد فرهنگی دیرینه تغییر کرده و یا حذف شده و یا با مظاهر فرهنگی ملی یک دست شده است و این خود نشانی بر این واقعیت است که در سال‌های اخیر نسبت به گذشته شکاف بین عناصر هویتی قوم لر و عناصر هویت ملی زیاد شده و برای احیا و زنده کردن این آداب و رسوم و عناصر فرهنگی دولت می‌بایست اقدامات چشم‌گیری انجام دهد (حاجیانی، ۱۳۸۷: ۴۱).

نتیجه‌گیری

پیرو مطالب ذکر شده در ارتباط با هویت ملی و هویت قومی و تعاریف و ارتباطات بین این دو عنصر و با مطرح کردن ایده نظریه‌پردازان مختلف چنین عنوان شد که هر کشور چند قومیتی همچون ایران موظف است با ارایه برنامه‌های دولتی و رسمی مدون به حفظ انسجام و وحدت ملی - کشوری بپردازد و در این راستا آگاهی از تعارض‌ها و تضادهای میان طوایف و اقوام مختلف کشور و سعی بر رفع این مسائل می‌بایست مد نظر قرار بگیرد.

در مطالعه کنونی با مرور نتایج و بررسی‌های پیشین چنین مطرح شد که عوامل مذهبی به عنوان پل ارتباطی بین سبک زندگی اقوام اصیل ایرانی و هویت ملی باعث حفظ پیوند این اقوام با هویت کلی کشور شده است.

در مطالعه‌ای که توسط خواجه نوری و همکارانش در سال ۱۳۸۹ انجام شد مشخص شد که سبک زندگی غالب در طوایف و اقوام لر سبک زندگی مذهبی بوده که علی‌رغم پروسه جهانی شدن تحت تأثیر واقع نشده و هر چه سبک زندگی با فرایند جهانی شدن به سمت امروزی و مدرنیته به پیش می‌رود رابطه‌ای منفی و معکوس با هویت ملی و ایرانی پیدا می‌کند.

در واقع با گذر زمان از دهه‌های پیش تاکنون، تأثیرپذیری هویت ملی کشور از فرایند جهانی شدن بیشتر شده و هر چه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم شکاف بیشتری بین عناصر فرهنگی اقوام اصیل لر با هویت ملی ایجاد می‌شود. در ادامه با تکیه بر نظرات نظریه‌پردازان در مورد تعاریف مرتبط با عوامل مؤثر بر حفظ وحدت و انسجام یک کشور می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در ایران با تکیه بر سبک‌های زندگی غالب که ریشه در مذهب و باورهای قدیمی و کهن دارند ارتباط و انسجام بین هویت قومی و ملی را می‌توان حفظ کرد. در پایان اشاره می‌شود که راه برای مطالعات بیشتر در حوزه ارتباطات بین عناصر هویت قومی و ملی باز است و دولت موظف است با آگاهی از چالش‌های پیش رو در اثر روند جهانی شدن، نوسازی، تحولات اقلیمی منطقه‌ای با استفاده از سبک‌های زندگی مذهبی و غالب در این اقوام و طوایف به تدوین برنامه‌های جامعی برای اشاعه و حفظ فرهنگ قومیتی در کشور بپردازد.

منابع

- اسفندیاری، احمد (۱۳۷۸)، ضرب المثل های بروجردی، اصفهان، انتشارات غزل.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قومیت گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی.
- برتون، آر (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران، نشر نی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴.
- جعفرزاده، فروزنده (۱۳۸۹)، کتاب‌های درسی و هویت ملی: فراتحلیل مطالعات انجام شده برکتب درسی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، "شکل‌گیری هویت و الگوهای محلی، ملی و جهانی (مطالعه مورد لرستان)" مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
- لک، عظیم (۱۳۹۳)، بررسی جامعه‌شناسی شعر و موسیقی زاگرس نشینان لر، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مور، جری (۱۳۹۱)، زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی، ترجمه: هاشم آقابیک پوری و جعفر احمدی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوابخش، مهرداد و نیکوکار، مستانه (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال دوم، شماره سوم.
- یوسفی، اصغر (۱۳۸۸)، قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، دانشگاه تربیت مدرس.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رضایی، احمد، ظهیری نژاد، مهناز (۱۳۷۹)، ایرانیان کرد، نگاهی به تاریخ سیاسی، فرهنگ و هویت کردها، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم.
- جعفرزاده پور، فروزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳)، فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره یازدهم.
- صادق‌زاده، رقیه، نادى، محمدعلی (۱۳۹۶)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان آذری، فارس، لر، کرد و عرب در دانشگاه‌های ایران، پژوهشنامه فرهنگی هرمزگان، شماره ۱۴.
- پری، جان آر (۱۳۸۵)، اصلاح زبان در ترکیه و ایران، در: تورج اتابکی، تجدد آمرانه، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.

- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۱)، چشم انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۶.
- مهدیه، یعقوبی پور (۱۳۸۸)، تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۷-۲۶۸.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران «طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸)، پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات عطار، چاپ پنجم.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۹)، فرهنگ و هویت ایرانی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره چهارم.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)، هویت ملی، تاریخ، روایت، کتاب مجموعه مقالات گردآوری: حمید احمدی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، مؤلفه‌های هویت ملی ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۶)، مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- ابراهیمی، معصومه، متین، پیمان (۱۳۸۵)، اقوام ایرانی، لرها، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- احمدلو، حبیب و افروغ؛ عماد (۱۳۸۱)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- خواجه نوری، بیژن، کریمی، ماندانا، خجسته، سعاد (۱۳۹۴)، بررسی رابطه فرایند جهانی شدن فرهنگی و هویت مذهبی در ایران (مطالعه موردی گروه‌های قومی لر شهر نورآباد ممسنی و عرب شهر کنگان و توابع)، مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۲۹.
- امان الهی بهداروند، سکندر (۱۳۷۴)، قوم لر، تهران، انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- محمدابراهیمی، زینب، عبدی، پروین (۱۳۹۱)، توصیف گروه‌های اسمی در گویش لری خرم‌آبادی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال چهارم، شماره اول.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۱)، تاریخ نگاران لرستان و مقوله هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- الطائی، علی (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان.

- کاستلز، ایمانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ترجمه: حسن چاووشیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پای، لوسین دلیو و دیگران (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه: غلامرضا خواجه سروری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- واینر، مایرون، ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۹)، درک توسعه سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسمیت، آنتونی. دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ، ترجمه: منصور انصاری، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی